

۱۱ شهرستان سیستان و بلوچستان در محاصره سیل و آب گرفتگی



رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر از آمادگی ۳ فروند بالگرد برای امداد رسانی به سیل زدگان سیستان و بلوچستان خبر داد و گفت: به محض مهیا شدن شرایط جوی عملیات امداد رسانی هوایی آغاز خواهد شد. به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی جمعیت هلال احمر، محمودی رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر گفت: از روز هشتم اسفند بارندگی هایی در جنوب شرق کشور داشتیم که این بارندگی ها در سیستان و بلوچستان از شب گذشته افزایش قابل توجهی پیدا کرد. وی در ادامه بیان کرد: ۱۱ اسفند ماه ۴ منطقه اصلی در شهرستان های چابهار دچار آب گرفتگی بوده و در ۱۱ شهرستان خاش، سیب و سوران، فنوج، ایرانشهر، میرجاوه، نیکشهر، دلگان، چابهار، سراوان، زاهدان، نیمروز، سرباز، کنارک و مهرستان نیازمند دریافت خدمات امدادی شدند. محمودی با بیان این که این شهرستان ها با مخاطره جدی ناشی از بروز سیلاب مواجه نبوده اند، افزود: عمدتاً سیلاب ها در



گفت و گو با زنی که «یلدا» را فروخت!

بزنگاه عشق وجدایی!

اختصاصی خراسان



پلیس اطلاع داده بود که من قصد فروش دخترم را دارم! آن ها هم مرا به کلانتری آوردند. **چرا چنین چیزی می گفتی؟** چون مراقبت از او سخت بود حتی یستم نمی گفتند دخترت را مانگهداری می کنیم ولی من قصد فروش او را نداشتم. **همسرت فرزندت را دیده است؟** به یک فردی با بستگان صحبت کرده بود که او را بفروشم!... **به چه مبلغی قصد داشتند فرزندت را بخرند؟** آن ها بین ۵۰ تا ۹۰ میلیون تومان پیشنهاد کرده بودند. ولی من قصد فروش نداشتم! احتی یک میلیارد هم نمی توانم بفروشم! دلم از او کنده نمی شود و گرنه یک پسر از ادواج قبلی ام دارم. **آن پسر الان کجاست؟** با پدرش زندگی می کند! **با همسر قبلی خودت چند سال زندگی کردی؟** ۴ سال با او زندگی کردم. **مخارج اعتیادت را چگونه تامین می کنی؟** به عهده مادر شوهرم است! شوهر هم کار می کند! **الان در کجای زندگی می کنی؟** قبلاً در یک ساختمان نیمه ساز زندگی می کردم ولی بعد از به دنیا آمدن فرزندم گاهی به خانه مادر شوهرم می روم. **سابقه هم داری؟** به یک بار ۳ ماه در زندان بودم، رفتم مواد بخرم به جرم همدستی با دیگران دستگیر شدم! **بعد از آزادی چرا دوباره استعمال مواد را شروع کردی؟** ۶ ماهی که بودم امانی دادم چرا باز هم به سمت مواد رفتم. **می خواهی فرزندت را خودت بزرگ کنی؟** به! گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با دستورات ویژه قاضی «عابدین زاده» این زن جوان تحت حمایت های قانونی قرار گرفت و نوزادش نیز به بهزیستی تحویل شد. بررسی های بیشتر در این باره از سوی مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد ادامه دارد.

به بیمارستان شهید هاشمی نژاد برد که آن جاهم دخترم را درون ساک گذاشتم، و فرار کردم چون هزینه های بیمارستان را نداشتم. **چند کلاس سواد داری؟** تا مقطع ابتدایی درس خواندم. پدر و مادرش زنده هستند؟ به! اما آن ها از یکدیگر طلاق گرفته اند. **چرا؟** به خاطر اعتیاد! **چه نوع موادی مصرف می کردند؟** کریستال **قبلاً هم از دواج کردی؟** به! با پسر عموم از دواج کردم ولی جدا شدیم، چون دست بزن داشت! **یعنی طلاق گرفتی؟** او مرا نخواست و طلاق داد. **چون هم معتادی؟** به! کریستال مصرف می کنم. **قبلاً چه چیزی مصرف می کردی؟** از سال ۹۶ که به مواد مخدر آلوده شدم با کریستال اعتیادم شروع شد. **چرا؟** چون با این ماده مخدر از قبل آشنایی داشتم و پدر و مادرم آن را مصرف می کردند. **پدرت چه کاره بود؟** در نانوائی کار می کرد. **با پدر «یلدا» چگونه آشنا شدی؟** سال ۹۶ وقتی از پسر عموم جدا شدم با پدر «یلدا» آشنا شدم. آن هادر همسایگی ما زندگی می کردند و من گاهی به منزل آن ها می رفتم. **او هم معتاد بود؟** ابتدا مواد مخدر سنتی می کشید اما الان شیشه مصرف می کند و پولیس در تعقیب اوست. **چرا؟** می گویند سرعت کرده است. **الان با هم رابطه خوبی دارید؟** به! اگر چه جا و مکان نداریم اما گاهی به منزل مادر شوهرم یا مادر بزرگ من می رویم! **چرا الان به کلانتری آمده ای؟** نمی دانم! چون در پاتوق وقتی اوضاع شوهرم صحبت می کردم دیگران مرا تشویق می کردند که دخترم را بفروشم چون توان مراقبت و نگهداری از او را ندارم ولی من مرزا نمی شدم، نمی دانم چه کسی به

سید خلیل سجاد پور - در پاتوق استعمال مواد مخدر، مرا تشویق می کردند که اگر نمی توانم از نوزادم مراقبت کنم آن را تا ۹۰ میلیون تومان به دیگران بفروشم، ولی من رضایت نداده بودم که پولیس از راه را سیدو... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۲۴ ساله معتاد در بزنگاه عشق مادری و جدایی از فرزند، با وجدان خود درگیر بود که پولیس مشهد را ماجرای فروش یک نوزاد در پاتوق معتادان، اطلاع یافت و بی درنگ وارد عمل شد. نیروهای کلانتری طبرسی شمالی که می دانستند باید از وقوع این ماجرای تلخ جلوگیری کنند با هماهنگی های قضایی، این زن جوان را به همراه «یلدا» (نوزاد ۲۰ روزه) به کلانتری هدایت کردند و پس از بررسی ابعاد این ماجرا «یلدا» را تحویل کارشناسان اجتماعی بهزیستی دادند. مادر این نوزاد که اکنون مدعی بود قصد فروش «یلدا» را نداشت و تنها دیگران او را ترغیب به فروش دخترش می کردند، بعد از آن که با دستور رئیس کلانتری طبرسی شمالی در دایره مددکاری اجتماعی مورد مشاوره های تخصصی قرار گرفت به سوالات خبرنگار روزنامه خراسان نیز درباره سرگذشت خود پاسخ داد. آن چه می خوانید نتیجه گفت و گوی یک ساعته با زن جوان است. **نامت چیست؟** مرا با نام مستعار «مهلا» صدا می زنند. **چند سال داری؟** ۲۴ ساله هستم. **خانه و زندگی هم داری؟** قرار است یکی از بستگان شوهرم که خانه ای در حاشیه شهر می سازد، بعد از آن که ساختمان تکمیل شد اجازه بدهد آن جا زندگی کنیم. **ایرانی هستی؟** به! فرزندت در بیمارستان متولد شد؟ نه! من در خانه زایمان کردم اما به خاطر این که حامله و خیم شده بودم، اورژانس مرا

ناکامی دزد طلای دانش آموزان

دختر دانش آموز شد. سرهنگ محمدجواد آرمون با اشاره به تحویل متهم به مرجع قضایی تصریح کرد: استفاده نکردن از طلا و جواهرات توسط دانش آموزان در محیط مدرسه که در نهادهای آموزشی تاکید شده، از وقوع این موارد پیشگیری می کند. وی افزود: واحد های گشت انتظامی در ساعات شروع و پایان مدارس، گشت محسوس و نامحسوس فعال تری در محدوده مدارس دارند.

سارق یکی - سارقی که قصد سرقت طلاهای یک دختر دانش آموز بافتی را در نزدیکی مدرسه اش داشت، دستگیر شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان بافت در این باره بیان کرد: به دنبال اعلام مسئول یکی از دبستان های دخترانه مبنی بر سرقت طلاهای یکی از دانش آموزان مدرسه با حضور سریع تیم گشت در محل حادثه، سارق دستگیر و طلاهای سرقتی تحویل خانواده

سرباز وظیفه به زندگی خود پایان داد

ساعت ۱۸ عصر پنج شنبه دهم اسفند یکی از سربازان حفاظت فیزیکی دادگستری شهرستان بزم هنگام پست نگهبانی با یک قبضه سلاح جنگی کلاشینکف به زندگی خود پایان داد. وی ادامه داد: تحقیقات اولیه حکایت از آن دارد که

توکلی - دادستان عمومی و انقلاب بم از فوت یک سرباز وظیفه که عصر پنج شنبه با سلاح جنگی کلاشینکف به زندگی خود پایان بخشید، خبر داد. به گزارش خراسان، قاضی بهنام جعفری زاده در تشریح جزئیات این حادثه اظهار کرد:

منافسه حمل

(تاریخ برگزاری مناقصه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ ساعت ۱۱:۰۰)

شرکت صنایع دامپروری و لبنی رضوی در نظر دارد امور مربوط به حمل محصولات لبنی خود را توسط پیمانکار به انجام رساند.

لذا از متقاضیان محترم دعوت میگردد نسبت به تکمیل فرم های مندرج در سایت tender.epf.ir و ارسال پاکات تا مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ به آدرس: یکمیلومتر ۵ جاده سرخس، مزرعه نمونه آستان قدس رضوی، شرکت فرآورده ای لبنی رضوی اقدام نمایند.

ضمناً شماره تماس آقای ۰۵۱۲۳۹۶۰۵۱-۲۰۴ داخلی ۲۱۵ جهت پاسخگویی اعلام میگردد.

شرکت صنایع دامپروری و لبنی رضوی (سهامی خاص)

۵۹۴۴۸

آگهی مزایده اموال غیر منقول کلاسه ۱۴۰۲۰۳۴۴

خانم لیلی نثقی به استناد سند ۴۶۷۷-۱۳۷۹/۷/۲۷ دفتر خانه ازدواج ۲۰ بچستان اجراییه ای تحت کلاسه ۰۳۴۴-۱۴۰۲۰۳۴۴ در قبال هدیه یک جلد کلام الله مجید و یک جام آینه و یک زوج شمعدان سر عقد و تعداد دوازده سکه کامل طلای بهار آزادی مقومه هفت میلیون ریال و طلاجات ساخته معادل دو میلیون و پانصد هزار ریال و وجه نقد رایج مبلغ بیست میلیون ریال و لباس زنانه عروسی دو دست مقومه یک میلیون ریال و رختخواب دو دست مقومه پانصد هزار ریال و قابلیچه بلوچی محلی شصت ایاق مقومه یک میلیون ریال و کوسفند برزینه پنج راس و میشینه بیست راس سه جوره تنجای بلنتاج مقومه پنج میلیون ریال مجموع صد اقیقه از جهت ارزش بالغ است به مبلغ سی و هفت میلیون ریال که طلاجات اعم از سکه ها و طلای ساخته و وجه نقد صد اقیقه بر ذمه خود زوج و بقیه مهر به تمام و کمال بر ذمه آقای رمضان مرادی به شناسنامه شماره ۱۷ صادره دولت آباد قایلین فرزند حسن پدر زوج می باشد و موقوفه عند الطالیه عیناً به زوج مزبور تحویل و رسید قانونی دریافت دارند تعیین قیمت جهت تشریفات دفتر است علیه علیرضا مرادی فرزند رمضان کد ملی ۱۶۱۰۲۹۵۸۵۶۵۶ مادر که پس از ابلغ در پایان مهلت ای مقرر و آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و تقاضای بستنکار مبنی بر بازداشت و مزایده اموال بدهکار در پلاک ثبتی ذیل که توصیف آن بدین شرح می باشد. مشخصات ملک: ملک معرفی شده پلاک ثبتی فرعی ۱۲۸۳۸۰ از پلاک اصلی ۲۷۶ اصلی مطابق جریان ثبتی یک واحد آپارتمان مسکونی به مساحت ۷۵/۶۶ متر مربع واقع در طبقه همکف سمت راست به انضمام یک قطعه پارکینگ به مساحت ۱۴/۲۵ در طبقه همکف می باشد و ساز و ساختن اسکلت فلزی با سقف تیرچه بلوک و نمای طرح سیمانی درب و پنجره فلزی دارای پیراپیری ۲ و اتاق با کفپوش موکت دیوار ها نقاشی. آشپزخانه این با کابینت ام دی اف سرامیک کولر آبی و گرمایش بخاری گازی و دارای امکانات و اعتبارات آب و برق و گاز با قدمت حدود ۸ سال می باشد. آپارتمان در زمان بازدید در تصرف مستاجر مشاهده گردید. نظریه کارشناسی: با توجه به مراتب فوق موقعیت مکانی دسترسی به معبر، نوع کاربری، چگونگی استقرار ملک، مساحت و مشخصات عرصه و اعیان نوع ساز و قدمت بنا، فارغ از املاک اسناد و اثبات مالکیت و بدون توجه به دیون و تعهداتی که ممکن است به اشخاص حقیقی و حقوقی وجود داشته باشد ارزش کل شش دانگ ملک فوق بره مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و دویست میلیون تومان) برآورد و ارزیابی می گردد. به حدود: شمالاً: در هفت قسمت که قسمتهای دوم و سوم و چهارم و ششم آن غربی است بطولهای دو متر و نود سانتی متر شرقاً: بطول ده متر و هشتاد و پنج سانتی متر دیوارپست به ملک مجاور جنوباً: در سه قسمت که قسمت دوم آن غربی است بطولهای پنج متر و بیست و پنج سانتی متر غرباً: بطول سده متر و شصت سانتی متر دیوار و پنجره ایست به معبر مجاور. مزایده در روز سه شنبه ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ ساعت ۹ صبح الی ۱۴ ساعت ۹ ظهر در محل اجرای ثبت اسناد و فرمان واقع در شهرستان فریمان از طریق مزایده نقداً به فروش خواهد شد. ضمناً بدی های مربوطه تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده به عهده برنده مزایده است ضمناً چنانچه در روز مزایده با تعطیلی مصادف گردد مزایده روز بعد در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. و حق مزایده نیمه عشر دولتی و هزینه های قانونی طبق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ به عهده برنده مزایده می باشد. م الف ۲۳۳ شناسه: ۱۶۷۸۵۲۱

حسین مهر جو- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فریمان

۵۹۵۲۰

آگهی ابلاغ صورت مجلس افزاری

پیرو آگهی شماره ۲۰۲۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ در روزنامه خراسان رضوی بدینوسیله صورت مجلس افزاری شماره ۱۰۱۴۰۲/۱۱/۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ و نقشه و نظریه و ریس ثبت مربوطه پلاک ثبتی به فرعی از ۲۹۱۸ اصلی بخش یک شهر کاشمر بشرح ذیل آگهی می شود شایسته است کلیه مالکین مشاعی پلاک مذکور چنانچه به مورد افزا و نحوه آن اعتراض دارند وخواهی خود را ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آگهی روزنامه به دادگاه مراجعه تسلیم و روضت آثرا به این اداره ارسال نمایند در صورت عدم وخواهی سند مالکیت ضروری در موعد مقرر به نام متقاضی مدار و تسلیم خواهد شد. صورت مجلس افزاری پلاک به فرعی از ۲۹۱۸ اصلی بخش یک حومه کاشمر در اجر ای دستوراداری شماره ۷۷۱۸/۱۴۰۲/۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ ذیل درخواست افزا را سمیرا گل محمدی و نعمت ایراندوست مالک تمامی سه دانگ مشاع از شش دانگ مسکونی پلاک به فرعی از ۲۹۱۸ اصلی بخش یک شهر کاشمر که سند تک برگی آن بنام نامبردگان باسویه صادر و تسلیم شده است آگهی دعوت به افزا آن طی شماره ۲۰۲۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ در روزنامه خراسان رضوی چاپ و منتشر و به مالکین مشاعی ابلاغ گردیده است و وقت آن روز ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ ساعت ۱۰ صبح تعیین گردیده است لذا اینجانبان مجتبی سبزواری به عنوان نماینده و احمد صدوقی نقشه بردار ثبت در هیئت متقاضی در موعد مقرر در آگهی به محل وقوع ملک تقاضا عزمیت که پس از بررسی پرونده ثبتی مشخص گردید که متقاضی تقاضای افزا را مالکیت خود را دارد که بصورت منزل بوده و در محدوده پلاک ثبتی قرار دارد لذا با عنایت به نامه ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ شهرداری کاشمر متضم به نقشه تأیید شده با افزا را موافقت نموده است برای قطعه افزاری پلاک یک فرعی منظور گردید حدود اولیه پلاک فوق و حدود افزا به شرح ذیل می باشد تصرفات متقاضی با مالکیت بی مطبق دارد - حدود اولیه: شش دانگ مسکونی بمساحت ۴۰۸۵ متر مربع شماره پلاک به فرعی از ۲۹۱۸ اصلی بخش یک شهر کاشمر شمال در سه قسمت اول دیوار بدیوار بطول (۶/۷۴) شش متر و هفتاد و چهار سانتیمتر به شماره سه فرعی از دو هزار و نهصد و هفت اصلی دوم دیوار بدیوار بطول (۴/۳۷) چهار متر و سی و هفت سانتیمتر به شماره سه فرعی از دو هزار و نهصد و هفت اصلی سوم دیوار بدیوار بطول (۱۰/۳۷) ده متر و سی و هفت سانتیمتر به شماره دو فرعی از دو هزار و نهصد و هفت اصلی شرقا دیوار مشترک بطول (۱۹/۶۸) نوزده متر و شصت و هشت سانتیمتر به دو هزار و نهصد

احمد جهانبگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۵۹۴۸۷

در امتداد تاریکی

دوراهی مرگ و زندگی!

بیش از ۲۰ روز است که شوهرم مرا از خانه بیرون کرده است و تهدید می کند یا باید جنینم را سقط کنم یا این که برای همیشه از او جدا شوم چرا که... به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بعد از ۴ برادرم قدم به خانواده ای پر از عشق گذاشتم که اوضاع مالی مناسبی نداشتند؛ اما من تک دختر بودم و همه امکانات را در حد توان برایم فراهم می کردند. با وجود این، پدرم در یک سانحه رانندگی قطع نخاع و زندگی مان سخت تر شد. در همان دوران کودکی بهترین روزها را با خاله بازی های عاشقانه با دوستانم می گذراندم و هیچ گاه رنگ شهر بازی و تفریح های آن چنانی را ندیدم. هنگامی که کلاس اول دبیرستان تحصیل می کردم «محمود» به خواستگاری ام آمد. او شاگرد شیرینی فروشی بود و من در از روی یک زندگی زیبا به او دل بستم.

۶ ماه بعد بدون برگزاری هیچ مراسمی، زندگی مشترکمان را در حالی آغاز کردیم که من هم دوست داشتم مانند خیلی از عروس ها، لباس عروسی به تن کنم و شاهد جشن و پایکوبی باشم اما به نظر بزرگترها احترام گذاشتم و به دلسوزی های خانواده همسرم افتخار می کردم. در همین شرایط بود که فهمیدم همه این رفتارها، یا کاری و ساختگی است چرا که احساس می کردم من باید همه کارهای خانواده همسر را انجام بدهم اما آن ها به خواسته های من بی توجهی می کردند و دلیل آن را در آمد نا کافی شوهرم می دانستند.

دیگر از رفتارهای سنگگیرانه و آزارهای روحی و نیش زبان های خانواده همسرم خسته شده بودم که یکی از آشنایان پیشنهاد سرایداری باغ ویلایی در شمال کشور را به «محمود» داد. من هم برای رهایی از شرایط زندگی در کنار خانواده شوهرم بلافاصله قبول کردم که به همراه «محمود» به شمال کشور بروم. بالاخره یک سال هم در شمال زندگی کردیم اما صاحب باغ به خاطر بی مسئولیتی شوهرم و راحت طلبی هایش، او را اخراج کرد و به ناچار دوباره به مشهد بازگشتم این در حالی بود که من باردار شده بودم و از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدم. وقتی «محمود» این خبر را شنید اخم هایش را در هم کشید و گفت: در این شرایط اقتصادی، بچه را می خواهیم چه کار کنیم! در عین حال من امید بیشتری برای زندگی پیدا کرده بودم ولی ناگهان مادر شوهرم تهمتی زد که قلبم را سوزاند. او ادعا می کرد پسرم بچه نمی خواست و این فرزند نامشروع است! کار به جایی رسید که مادر شوهرم با صراحت به «محمود» گفت: «باید بین من و همسرت یکی را انتخاب کنی!» به همین خاطر همسرم مرا از خانه بیرون کرد و تهدید می کند که باید جنینم را سقط کنم و گرنه مرا طلاق می دهد. الان بیشتر از ۲۰ روز از آن ماجرا کی گذرد و من دوراهی مرگ و زندگی فرزندم قرار گرفته ام به همین خاطر به کلانتری آمدم تا مریاری کنیهای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با توجه به حساسیت و اهمیت این ماجرای تکان دهنده، جلسات مشاوره برای زن جوان و همسرش با دستورات ویژه سرگرد احسان سبکبار، (رئیس کلانتری شقای مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد تا این داستان، به فرجامی شیرین برسد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

